

مُهر هفتم و هفت کَرَنای

¹ و چون مُهر هفتم را گشود، خاموشی قریب به نیم ساعت در آسمان واقع شد.² و دیدم هفت فرشته را که در حضور خدا ایستاده‌اند که به ایشان هفت کَرَنای داده شد.³ و فرشته‌ای دیگر آمده، نزد مذبح بایستاد با مَجَمَری طلا و بخور بسیار بدو داده شد تا آن را به دعا‌های جمیع مقدّسین، بر مذبح طلا که پیش تخت است بدهد،⁴ و دود بخور، از دست فرشته با دعا‌های مقدّسین در حضور خدا بالا رفت.⁵ پس آن فرشته مجمر را گرفته، از آتش مذبح آن را پر کرد و به سوی زمین انداخت و صداها و رعدها و برق‌ها و زلزله حادث گردید.

اوّل چهار کَرَنای

⁶ و هفت فرشته‌ای که هفت کَرَنای را داشتند خود را مستعدّ نواختن نمودند.⁷ و چون اوّلی بناخت تگرگ و آتش با خون آمیخته شده، واقع گردید و به سوی زمین ریخته شد و ثلث درختان سوخته و هر گیاه سبز سوخته شد.

⁸ و فرشته دوّم بناخت که ناگاه مثال کوهی بزرگ، به آتش افروخته شده، به دریا افکنده شد و ثلث دریا خون گردید،⁹ و ثلث مخلوقات دریایی که جان داشتند، بمردند و ثلث کشتیها تباہ گردید.

¹⁰ و چون فرشته سوم نواخت، ناگاه ستاره‌ای عظیم، چون چراغی افروخته شده از آسمان فرود آمد و بر ثلث نهرها و چشمه‌های آب افتاد.¹¹ و اسم آن ستاره را اَفْسَتین می‌خوانند؛ و ثلث آنها به اَفْسَتین مبدّل گشت و مردمان بسیار از آب‌هایی که تلخ شده بود مردند.

¹² و فرشته چهارم بناخت و به ثلث آفتاب و ثلث ماه و ثلث ستارگان صدمه رسید تا ثلث آنها تاریک گردید و ثلث روز و ثلث شب همچنین بینور شد.¹³ و عقابی را دیدم و شنیدم که در وسط آسمان می‌پرد و به آواز بلند می‌گوید: وای، وای، وای، بر ساکنان زمین، به سبب صدا‌های دیگر کَرَنای آن سه فرشته‌ای که می‌باید بنوازند.

¹ And when he had opened the seventh seal, there was silence in heaven about the space of half an hour.² And I saw the seven angels which stood before God; and to them were given seven trumpets.³ And another angel came and stood at the altar, having a golden censer; and there was given unto him much incense, that he should offer it with the prayers of all saints upon the golden altar which was before the throne.⁴ And the smoke of the incense, which came with the prayers of the saints, ascended up before God out of the angel's hand.⁵ And the angel took the censer, and filled it with fire of the altar, and cast it into the earth: and there were voices, and thunderings, and lightnings, and an earthquake.⁶ And the seven angels which had the seven trumpets prepared themselves to sound.⁷ The first angel sounded, and there followed hail and fire mingled with blood, and they were cast upon the earth: and the third part of trees was burnt up, and all green grass was burnt up.⁸ And the second angel sounded, and as it were a great mountain burning with fire was cast into the sea: and the third part of the sea became blood;⁹ And the third part of the creatures which were in the sea, and had life, died; and the third part of the ships were destroyed.¹⁰ And the third angel sounded, and there fell a great star from heaven, burning as it were a lamp, and it fell upon the third part of the rivers, and upon the fountains of waters;¹¹ And the name of the star is called Wormwood: and the third part of the waters became wormwood; and many men died of the waters, because they were

Revelation 8

made bitter.¹² And the fourth angel sounded, and the third part of the sun was smitten, and the third part of the moon, and the third part of the stars; so as the third part of them was darkened, and the day shone not for a third part of it, and the night likewise.¹³ And I beheld, and heard an angel flying through the midst of heaven, saying with a loud voice, Woe, woe, woe, to the inhabitants of the earth by reason of the other voices of the trumpet of the three angels, which are yet to sound!